

تحلیل پتانسیل سرمایه گذاری در بخش کشاورزی (با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

حجت ورمزیاری، ایرج صالحو حجت مسلم زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی، عضو هیأت علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران، دانش آموخته مقطع کارشناسی
ارشد رشته توسعه روستایی

چکیده

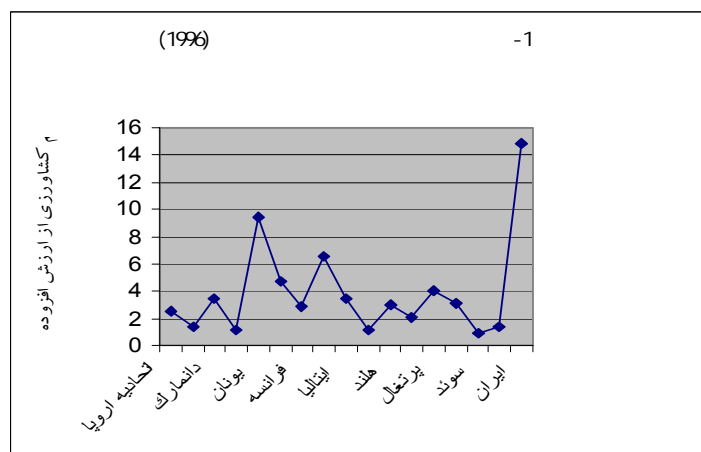
به دلیل وجود شرایط اقلیمی متنوع و پتانسیل های طبیعی و نیز به علت وجود پیوندهای تنگاتنگی که بخش کشاورزی با سایر بخش های اقتصاد دارد، توسعه کشاورزی می تواند نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد کشور ایفا نماید. از سوی دیگر، سرمایه از مهمترین عناصر مؤثر در افزایش بهره وری سایر عوامل تولید نظیر نیروی انسانی، زمین و غیره محسوب می شود. با عنایت به اهمیت موضوع، این مطالعه ضمن ترسیم جایگاه کشاورزی در اقتصاد کشور، به بررسی روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۴۲ و بخصوص در طول برنامه های توسعه کشور پرداخته و سپس از طریق بررسی شاخص هایی نظیر بهره وری سرمایه و شاخص ICOR، قابلیت جذب سرمایه در این بخش را، در مقایسه با سایر بخش های اقتصادی کشور مورد ارزیابی قرار داده است. همچنین در این مطالعه موانع سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، از جمله نرخ تورم و سایر عوامل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصله حاکی از بالا بودن بهره وری سرمایه در بخش کشاورزی و توان جذب سرمایه در این بخش می باشد. با این وجود سرانه سرمایه در بخش کشاورزی بسیار پایین تر از سایر بخش های اقتصاد بوده است. همچنین یافته های این تحقیق، رابطه منفی بین سرانه سرمایه در بخش کشاورزی و بهره وری سرمایه در این بخش را در سطح معنی داری ۰/۰۱ تأیید نمود که بیانگر عدم استفاده صحیح از سرمایه در این بخش می باشد. بنابراین با توجه به نتایج مطالعه و نیز نقش سرمایه گذاری در افزایش بهره وری تولید و با عنایت به اهداف و سیاست های کشاورزی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سرمایه گذاری کارآمد در این بخش باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می شود که دولت اقدام به سرمایه گذاری بلند مدت و زیربنایی نموده و در تزریق سرمایه برای طرح های تولیدی، به مبانی آمایش سرزمین توجه کند.

واژه های کلیدی: توسعه کشاورزی، سرمایه گذاری، شاخص ICOR، بهره وری سرمایه

مقدمه

کشاورزی دارای نقش عمده‌ای بخصوص در اقتصاد کشورهای جهان سوم می‌باشد. توسعه کشاورزی سهم مهمی در غلبه بر فقر دارد (اودینت و هارالامبوس^۱، ۲۰۰۵). اقلیم‌های متنوع آب و هوایی، مزیت‌های نسبی و جهانی کشور در زمینه کشاورزی، تأمین امنیت غذایی و دستیابی به توسعه پایدار، لزوم توسعه کشاورزی نظام مند را روشن می‌سازد. به دلیل پیوندهای پسین و پیشین که بخش کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی دارد، لازمه شکوفایی اقتصاد کشور و توسعه بخش‌های غیر کشاورزی اقتصاد، سرمایه‌گذاری و توسعه کشاورزی می‌باشد (صامتی و فرامرزپور، ۱۳۸۳؛ سلطانی، ۱۳۸۳؛ نیکوکار، ۱۳۸۱).

کشاورزی جایگاه مهمی در اقتصاد ایران بخصوص در مقایسه با کشورهای توسعه یافته دارد، به گونه‌ای که در ایران و در سال ۱۳۸۳، حدود ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی (۱۳۷۶=۱۰۰)، ۲۵ درصد ارزش صادرات غیرنفتی، بیش از ۲۰ درصد اشتغال، نزدیک به ۸۰ درصد از عرضه غذا و ۹۰ درصد از مواد اولیه صنایع تبدیلی کشاورزی را تأمین نموده است (عبداللهی، ۱۳۸۵). در حالی که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای اروپایی، بسیار پایین‌تر می‌باشد (نمودار ۱).



منبع: یافته‌های تحقیق (بر اساس داده‌های اتحادیه اروپا)

سرمایه‌گذاری از اجزای مهم هزینه ملی و لازمه تولید و اشتغال بوده و رشد تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی در گرو سرمایه‌گذاری می‌باشد (پائول بلاک^۲، ۲۰۰۶). سرمایه به عنوان یکی از مهمترین نهاده‌های تولید بوده و می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار شود (هایامی^۳، ۱۹۹۹).

کشاورزی نیز از این موضوع مستثنی نبوده و سرمایه‌گذاری مناسب در آن موجب بهبود شاخص‌های تغذیه‌ای و سلامتی می‌شود. انتخاب عنوان «سرمایه‌گذاری کشاورزی برای امنیت غذایی»، با تأکید بر نقش

1- Audinet, J. & Haralambous
2- Paul J. Block
3- Hiami

سرمایه‌گذاری به صورت دولتی و خصوصی» برای روز جهانی غذا در سال ۲۰۰۶، بیانگر اهمیت این مقوله می‌باشد (بی‌نام، ۱۳۸۵).

طبق فصل اول قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، با عنوان «بستر سازی برای رشد سریع اقتصادی» سرمایه‌گذاری کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اهداف این برنامه، نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی باید به ۱۳/۵ درصد برسد. همچنین ارتقاء بهره‌وری واحدهای کشاورزی از سیاست‌ها کلان این برنامه محسوب می‌شود. بنابراین ضروری است تا برنامه‌ریزی و مدیریت صحیحی در مورد استفاده از این عامل کمیاب و حیاتی صورت پذیرد.

با وجود اهمیت سرمایه در بخش کشاورزی، در حال حاضر کمبود سرمایه در بخش کشاورزی کشور، منجر به کاهش سطح بهره‌وری عوامل تولید و کاهش سودآوری فعالیت‌های کشاورزی شده است. این در حالی است که در کشور آمریکا، در دوره زمانی ۱۹۷۳-۱۹۷۹ نهاده سرمایه در بخش کشاورزی، به طور متوسط ۲ درصد افزایش سالانه داشته که به طور متوسط منجر به افزایش سالانه ۳۳ درصدی در رشد محصول شده است (ال‌دن بال، ۲۰۰۶).

عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید در طی سالیان اخیر، از موانع عمده رشد تولیدات کشاورزی محسوب می‌شود. پایین بودن نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری در بخش تولید، نسبت به سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری، پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی، نرخ تورم بالا، کمبود سرمایه‌گذاری زیربنایی دولت در بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری دولتی در حیطه مربوط به بخش خصوصی (صامتی و فرامرزیور، ۱۳۸۳) و به طور کلی، هر پدیده‌ای که منجر به ایجاد فضای ریسک و عدم اطمینان گردد، سبب کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد (عباسی نژاد و جبل عاملی، ۱۳۸۵).

در حقیقت نرخ تورم بالا، ریسک فعالیت‌های تولیدی را افزایش داده و سود کلانی را عاید فعالیت‌های واسطه‌گری و سوداگری می‌نماید (هایامی، ۱۹۹۹). بنابراین سرمایه‌های افراد، به سمت بازارهای سکه، طلا، زمین و ساختمان اداری که دارای امنیت بیشتری هستند سوق می‌یابد. بالا بودن هزینه‌های اقدامات اولیه و زیربنایی کشاورزی از قبیل احیا و تسطیح اراضی و غیره (سادیک، ۱۹۹۵)، عدم امنیت مالکیت زمین نیز از سایر موانع سرمایه‌گذاری کشاورزی می‌باشند.

از سایر عوامل مؤثر در عدم تخصیص بهینه سرمایه به بخش کشاورزی، اعطای بدون نظارت و بدون مطالعات امکان‌سنجی اعتبارات به کشاورزان می‌باشد که در نهایت منجر به استفاده غیر تولیدی و مصرفی می‌شود. مطالعات بوردا بیانگر آن است که فقط ۱۰ درصد از هزینه زندگی دهقانان متعلق به امور کشاورزی بوده و بقیه به امور مصرفی اختصاص یافته است (ازکیا، ۱۳۸۴).

4- Ball, Eldon

5 - Saddik, Ibrahim

نظر به اهمیت سرمایه در تولید و کمیابی آن در کشور، استفاده بهینه و مؤثر از آن در اقتصاد کشور بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین باید ظرفیت بخش‌های اقتصادی در زمینه سرمایه‌گذاری تعیین شده و بر اساس آن، تخصیص بهینه سرمایه صورت پذیرد. تحقیق حاضر به دنبال تبیین و بررسی مقایسه‌ای جایگاه کشاورزی در اقتصاد کشور در دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۴۲ (در قالب ۶ برنامه توسعه ملی و دوره ۱۰ ساله انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) و تشریح وضعیت سرمایه در کشاورزی و آرایه راهکارهای مناسب جهت سیاست‌گذاری می‌باشد. در واقع سؤال اساسی تحقیق عبارت است از اینکه آیا بخش کشاورزی دارای پتانسیل لازم جهت سرمایه‌گذاری می‌باشد و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا سرانه سرمایه بخش کشاورزی، از رشد مطلوبی برخوردار بوده است؟ و اینکه چه موانع احتمالی در این مسیر وجود داشته است؟ همچنین این مطالعه به دنبال بررسی آن است که سرمایه موجود در این بخش، در دوره‌های مورد بررسی به خوبی مورد استفاده قرار گرفته است؟

مواد و روش‌ها

در این تحقیق، به منظور تعیین جایگاه کشاورزی در اقتصاد کشور، سهم ارزش افزوده این بخش در تولید ناخالص داخلی و نیز اشتغال کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در راستای ارزیابی قابلیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، از شاخص‌های بهره‌وری سرمایه، شاخص ICOR^۶ استفاده شد.

شاخص بهره‌وری سرمایه: اندازه‌گیری بهره‌وری، از فاکتورهای مهم و تعیین‌کننده است. بهره‌وری از مفاهیم اساسی اقتصاد به شمار می‌رود. به طور کلی، بهره‌وری را به دو شکل می‌توان سنجید. شکل اول، بهره‌وری جزیی است که رابطه ستاده با یکی از عوامل تولید می‌باشد. شکل دوم، بهره‌وری کل عوامل تولید است که در آن ارتباط ستاده با همه نهاده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بهره‌وری سرمایه از طریق تقسیم ارزش افزوده هر بخش به موجودی سرمایه بخش مذکور حاصل می‌شود. این شاخص در حقیقت بیانگر میزان تولید بازاری هر واحد سرمایه می‌باشد.

شاخص ICOR: از جمله شاخص‌هایی است که به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیری در سرمایه‌گذاری به کار می‌رود. این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده کارآیی سرمایه باشد. شاخص مذکور برای یک دوره زمانی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. بدین منظور، مجموع سرمایه‌گذاری در یک دوره بر اختلاف ارزش افزوده پایان دوره با ارزش افزوده ابتدای دوره مذکور تقسیم می‌گردد. بر اساس مقدار این شاخص می‌توان تصمیم‌گیری نمود که طی یک دوره زمانی، برای ایجاد یک واحد ارزش به چه مقدار سرمایه نیاز است. این نسبت در کشورهای در حال توسعه، ۲ به ۱ تا ۵ به ۱ می‌باشد. البته توجه صرف به این نسبت ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید در یک بخش خاص را مبالغه‌آمیز نشان دهد. در حالی که این فرض می‌تواند محتمل باشد که با استفاده از روش‌های بهتر تولید و بدون نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر، تولید را می‌توان افزایش داد (میر، ۱۹۹۴). به

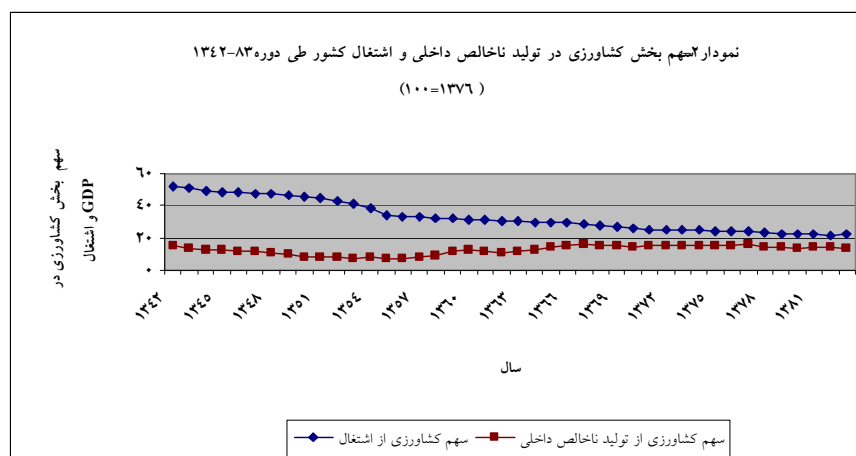
^۶ -Incremental Capital-Output Ratio(ICOR)

منظور تبیین بهتر رابطه بین «سرانه سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» با «بهره‌وری سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» از ضریب همبستگی پیرسون^۷ استفاده می‌شود.

سپس به منظور ارائه تصویری شفاف از وضع سرمایه در بخش کشاورزی و بررسی مقایسه‌ای آن با سایر بخش‌ها، سهم بخش کشاورزی از موجودی سرمایه و روند تغییر آن در مقایسه با سایر بخش‌ها مشخص می‌گردد. از آنجایی که میزان سرمایه بخش کشاورزی، به تنهایی قادر به تبیین وضعیت واقعی سرمایه نمی‌باشد، لذا به منظور ارائه تصویر کاملتر، از شاخص سرانه سرمایه در بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها استفاده می‌شود. در این مطالعه از داده‌های سری زمانی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۴۲ استفاده شد. داده‌های مذکور از طریق گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی و نیز دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، جمع‌آوری گردید و سپس با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS_{win11} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج و بحث

به منظور تعیین نقش کشاورزی در اقتصاد ملی، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی و اشتغال محاسبه گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق، در دوره زمانی ۸۳-۱۳۴۲، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، دچار نوساناتی بوده است (نمودار ۲).



منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، طی برنامه سوم توسعه قبل از انقلاب، سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، سالانه به طور متوسط ۱۳/۰۹ درصد بوده است. به دلیل انجام سیاست اصلاحات ارضی در این دوره و تمایل حکومت وقت به تبعیت کورکورانه از مدرنیزاسیون غرب، دگرگونی ساختار کشاورزی و بروز معضلات مدیریتی، میانگین نرخ رشد سالانه سهم کشاورزی، ۴/۳۸- درصد بوده که این روند نزولی در طول برنامه چهارم توسعه قبل از انقلاب شتاب بیشتری به خود گرفته (۵/۶۲- درصد) و در نهایت، متوسط سهم سالانه کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به ۹/۶۶ درصد کاهش می‌یابد (جدول ۱). روند کاهشی مذکور، تا

⁷ - Pearson Correlation Coefficient

آغاز انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد. با استقرار انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و رکود بخش صنایع و معادن، نقش کشاورزی در تولیدات رو به افزایش گذارده (به طور متوسط سالانه ۸/۷۹ درصد) در سال ۱۳۶۷ به اوج خود می‌رسد. مطابق جدول ذیل، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و در طول برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، متوسط سهم سالانه کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، بالاتر از میزان مشابه در دوره‌های پیش از انقلاب اسلامی بوده است ولی با این وجود، سهم مذکور، در طی سه برنامه اول بعد از انقلاب، با روند ملایمی رو به کاهش بوده است (نمودار ۲). همچنین طبق یافته‌های تحقیق، بخش کشاورزی در طی برنامه سوم توسعه قبل از انقلاب به طور متوسط، سالانه ۵۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده بود که این روند طی برنامه‌های بعدی در حال کاهش بوده است، به طوری که میانگین سالانه سهم کشاورزی از اشتغال، به ۲۲ درصد کاهش می‌یابد. نکته جالب توجه اینکه، مطابق نمودار (۲)، در سری زمانی ۸۳-۱۳۴۲ همیشه، سهم کشاورزی از اشتغال در سطح بالاتری از سهم این بخش از ارزش افزوده قرار داشته است که دلالت بر پایین بودن بهره‌وری نیروی کار بخش کشاورزی می‌کند.

جدول ۱- جایگاه کشاورزی در اقتصاد ایران به تفکیک برنامه‌های توسعه (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶)

| شاخص | برنامه توسعه سوم قبل از انقلاب (۱۳۴۲-۴۶) | برنامه توسعه چهارم قبل از انقلاب (۱۳۴۷-۵۱) | برنامه توسعه پنجم قبل از انقلاب (۱۳۵۲-۵۶) | دهه اول پس از انقلاب (۱۳۵۷-۶۷) | برنامه توسعه اول بعد از انقلاب (۱۳۶۸-۷۲) | برنامه توسعه دوم بعد از انقلاب (۱۳۷۴-۷۸) | برنامه توسعه سوم بعد از انقلاب (۱۳۷۹-۸۳) |
|--|--|--|---|--------------------------------|--|--|--|
| متوسط سهم سالانه بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (درصد) | ۱۳/۰۹ | ۹/۶۶ | ۷/۶۵ | ۱۲/۱۸ | ۱۵/۰۹ | ۱۵/۱۴ | ۱۳/۹۲ |
| متوسط سهم سالانه بخش کشاورزی از اشتغال (درصد) | ۴۹/۷۱ | ۴۶/۳۴ | ۳۷/۹۷ | ۳۰/۷۲ | ۲۶/۱۰ | ۲۴/۰۶ | ۲۲/۰۱ |
| متوسط نرخ رشد سالانه سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی | -۴/۳۸ | -۵/۶۲ | -۱/۹۹ | ۸/۷۹ | -۰/۶۶ | -۱/۲۴ | -۰/۸۵ |

منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

به طور کلی، سرمایه‌گذاری از عوامل بسیار اساسی در رشد و توسعه کشاورزی و هر بخش دیگری محسوب می‌گردد. در صورتی که انباشت سرمایه در بخش، همراه با مدیریت صحیح و کارآمد همراه گردد، منجر به شکوفایی سایر نهاده‌های تولید نیز خواهد شد. با این وجود و برخلاف مزیت‌های نسبی جهانی و پتانسیل‌های داخلی ایران در زمینه کشاورزی، بخش کشاورزی از کمبود سرمایه به شدت رنج می‌برد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که متوسط سهم سالانه بخش کشاورزی از موجودی سرمایه، در طول تمامی برنامه‌های توسعه و نیز در دوره جنگ تحمیلی، در بین سه بخش دیگر، فراتر از ۵ درصد نرفته است که کمترین میزان آن ۱/۸۱ درصد بوده که مربوط به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، می‌باشد (جدول ۲). متوسط سهم سالانه کشاورزی از موجودی سرمایه کشور از برنامه سوم توسعه قبل از انقلاب تا برنامه توسعه اول بعد از انقلاب در حال کاهش بوده است. ولی این میزان در طول برنامه‌های دوم و سوم توسعه پس از انقلاب اسلامی رو به افزایش گذارده است که این افزایش می‌تواند متأثر از سیاست جایگزینی راهبرد توسعه صادرات به جای راهبرد جایگزینی واردات باشد. بر اساس جدول (۲) متوسط سالانه سهم کشاورزی از موجودی سرمایه، از سال ۱۳۴۲ تا خاتمه دوره جنگ تحمیلی با روند نزولی مواجه بوده است که بیشترین کاهش، مربوط به دوره اخیر (با ۶/۸۱ درصد کاهش) می‌باشد. در طول برنامه پنجم قبل از انقلاب، سهم سالانه کشاورزی از موجودی سرمایه به طور متوسط ۱/۸۰ درصد کاهش یافت، این در حالی است که در کشور آمریکا و در دوره زمانی تقریباً مشابه (۷۹-۱۹۷۳)، میزان افزایش سالانه سهم کشاورزی از سرمایه، ۲ درصد بوده است (الدن بال، ۲۰۰۶). بیشترین نرخ رشد متوسط سهم سالانه کشاورزی از موجودی سرمایه مربوط به دوره برنامه توسعه اول پس از انقلاب می‌باشد (۱۲/۲۱ درصد). با وجود جهش قابل توجه مذکور، به دلیل کاهش شدید سهم کشاورزی از موجودی سرمایه، میانگین سهم سالانه بخش مذکور در دوره ۷۲-۱۳۶۸، فراتر از ۱/۸۱ درصد نگردید.

از آنجایی که سهم یک بخش از سرمایه، به تنهایی نمی‌تواند ارایه‌کننده تصویری شفاف از وضعیت سرمایه در بخش مذکور باشد، لذا در مطالعه حاضر، شاخص سرانه سالانه سرمایه بخش‌ها بازای هر ۱۰۰ نفر شاغل، تعریف شده و مورد محاسبه قرار گرفت.

کل موجودی سرمایه

$$\times 100 = \frac{\text{سرانه موجودی سرمایه بازای}}{\text{تعداد کل شاغلین}} \text{ هر } 100 \text{ نفر}$$

جدول ۲ - وضعیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران طی برنامه‌های توسعه قبل و پس از انقلاب اسلامی

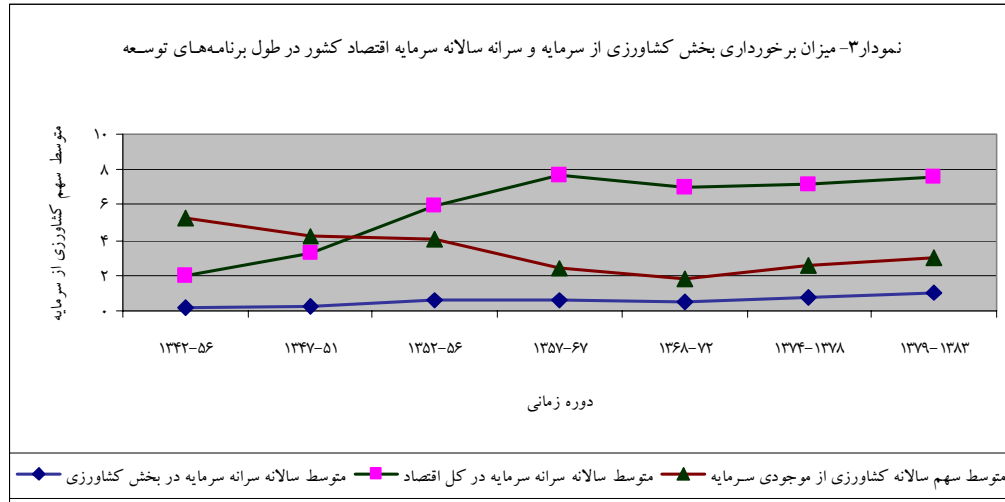
| شاخص | دوره‌های | | برنامه توسعه سوم قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۴۶) | برنامه توسعه چهارم قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۵۱) | برنامه توسعه پنجم قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۲-۵۶) | دهه اول پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۶۷) | برنامه توسعه اول بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۷۲) | برنامه توسعه دوم بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۴-۷۸) | برنامه توسعه سوم بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۹-۸۳) |
|---|---------------|---------|---|---|--|---|---|---|---|
| | زمانی | بخش | | | | | | | |
| متوسط سهم سالانه بخش‌ها از سرمایه (درصد) | کشاورزی | ۵/۲۲ | ۴/۲۳ | ۴/۰۷ | ۲/۴۶ | ۱/۸۱ | ۲/۵۶ | ۳/۰۵ | |
| | صنایع و معادن | ۲۲/۳۳ | ۲۴/۰۶ | ۲۶/۲۹ | ۲۵/۵۲ | ۲۴/۹۳ | ۲۴/۵۷ | ۲۴/۱۵ | |
| | خدمات | ۶۵/۹۰ | ۶۴/۵۸ | ۶۳/۲۳ | ۶۵/۶۶ | ۶۸/۳۳ | ۶۸/۵۶ | ۶۸/۵۲ | |
| | نفت و گاز | ۶/۵۵ | ۷/۱۳ | ۶/۴۰ | ۶/۳۶ | ۴/۹۳ | ۴/۳۰ | ۴/۲۸ | |
| متوسط سالانه سرانه سرمایه بخش‌ها، بازای هر ۱۰۰ نفر شاغل | کشاورزی | ۰/۲۰ | ۰/۳۰ | ۰/۶۴ | ۰/۶۲ | ۰/۴۹ | ۰/۷۶ | ۱/۰۶ | |
| | صنایع و معادن | ۱/۷۴ | ۲/۹۶ | ۵/۰۲ | ۷/۰۳ | ۶/۱۸ | ۵/۸۰۵ | ۶/۱۲ | |
| | خدمات | ۵/۲۳ | ۷/۸۶ | ۱۲/۱۶ | ۱۲/۵۱ | ۱۰/۵۵ | ۱۰/۸۱ | ۱۱/۰۳ | |
| | نفت و گاز | ۱۳۳۹۲/۴ | ۲۸۳۲۵/۵۵ | ۵۱۵۵۵/۸۲ | ۷۹۹۷۲/۹۱ | ۵۶۱۴۵/۵۹ | ۶۶۹۰۹/۵۶ | ۱۰۶۵۷۳/۸۴ | |
| | کل اقتصاد | ۱/۹۶ | ۳/۲۵ | ۵/۹۲ | ۷/۶۹ | ۶/۹۶ | ۷/۱۱ | ۷/۶۲ | |
| متوسط نرخ رشد سالانه سرانه سرمایه (بازای هر ۱۰۰ نفر شاغل) | کل اقتصاد | ۸/۲۴ | ۱۱/۳۲ | ۱۳/۴۱ | -۱/۴۸ | ۰/۹۶ | ۰/۵۱ | ۱/۶۳ | |
| | کشاورزی | ۵/۵۵ | ۱۱/۶۷ | ۱۹/۰۷ | -۶/۷۸ | ۱۸/۱۸ | ۵/۶۷ | ۴ | |
| متوسط نرخ رشد سالانه سهم کشاورزی از سرمایه (درصد) | کشاورزی | -۳/۱۰ | -۱/۴۳ | -۱/۸۰ | -۶/۸۱ | ۱۲/۲۱ | ۳/۲۸ | ۲/۰۹ | |

منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

نتایج به دست آمده بیانگر آن است که بخش کشاورزی در طول دوره‌های زمانی مورد نظر، از کمترین متوسط سرانه سالانه سرمایه برخوردار بوده است که کمترین میزان آن با ۰/۲ میلیارد ریال بازای هر ۱۰۰ نفر شاغل، مربوط به دوره ۴۶-۱۳۴۲ بوده است (نمودار ۳). مقدار این شاخص همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، بجز برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب، همیشه بین صفر و یک بوده است. در مقابل، بخش نفت و گاز بالاترین مقدار شاخص مذکور را به خود اختصاص داده است.

مطابق جدول فوق، بیشترین رشد این شاخص در بخش کشاورزی (۱۹/۰۷ درصد) مربوط به دوره برنامه پنجم قبل از انقلاب می‌باشد که همراه با افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی و افزایش اعتبارات برنامه در اثر رخ دادن شوک نفتی بود. این شاخص در بخش کشاورزی و نیز در کل اقتصاد رشد مثبتی داشته است لیکن این روند، در

دوره جنگ تحمیلی وارونه شده است (جدول ۲). متوسط سالانه سرانه سرمایه در بخش کشاورزی بعد از جنگ تحمیلی و در طول برنامه اول توسعه بعد از انقلاب، رشد چشمگیری به خود می‌گیرد ولی روند این رشد در طی برنامه‌های بعد، کندتر می‌شود.

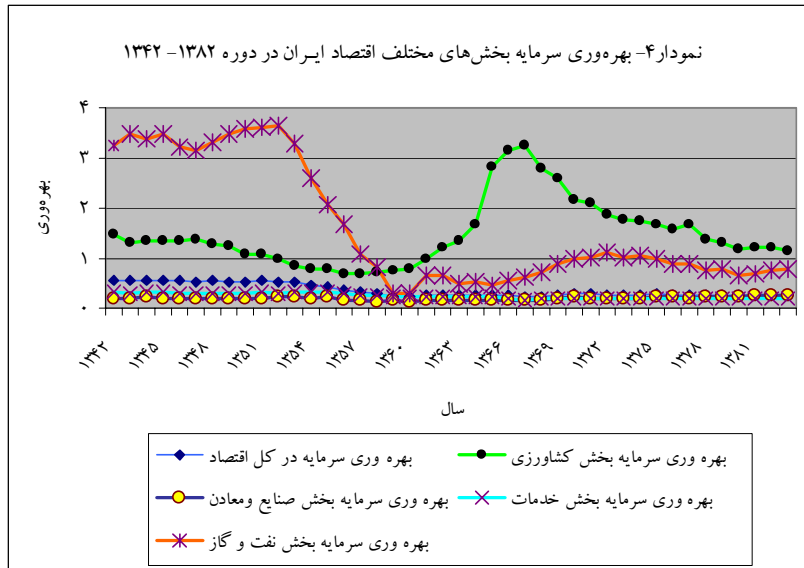


از شاخص‌هایی که به منظور ارزیابی وضعیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص بهره‌وری سرمایه می‌باشد. در این مطالعه متوسط سالانه بهره‌وری سرمایه برای هر یک از چهار بخش اقتصاد، به تفکیک برنامه‌های توسعه ملی، مورد محاسبه قرار گرفت. طبق نتایج حاصله، سرمایه در بخش کشاورزی از بهره‌وری بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها در طول تمامی دوره‌های مورد بررسی برخوردار بوده است. یافته مذکور، با نتیجه به دست آمده در مطالعه سلامی و شاهنوشی (۱۳۷۹) همسو می‌باشد. البته بخش نفت و گاز، در طول سه برنامه قبل از انقلاب، دارای بهره‌وری بالاتری نسبت به بخش کشاورزی بود. ولی این روند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه اول توسعه بعد از انقلاب معکوس می‌گردد (جدول ۳). چنین روندی به دلیل بالا بودن قیمت نفت خام در سال‌های ۱۳۴۷-۵۶ و سپس کاهش قیمت آن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی روی داده است. در واقع با پیروزی انقلاب و کاهش قیمت نفت خام، بهره‌وری سرمایه در بخش نفت و گاز و نیز بخش صنایع و معادن با افت محسوسی مواجه می‌شود که البته با افزایش مجدد بهای نفت خام در دوره ۷۱-۱۳۶۸، بهره‌وری بخش‌های مذکور افزایش می‌یابد ولی همچنان پایین‌تر از بخش کشاورزی باقی می‌ماند. طبق جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۴)، بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی بیشترین رشد خود (۳۶/۵۷ درصد) را در دوره جنگ تحمیلی تجربه نموده است.

جدول شماره ۳ - متوسط بهره‌وری سرمایه و شاخص ICOR، متوسط نرخ رشد بهره‌وری و سهم کشاورزی در GDP، در طول برنامه‌های توسعه

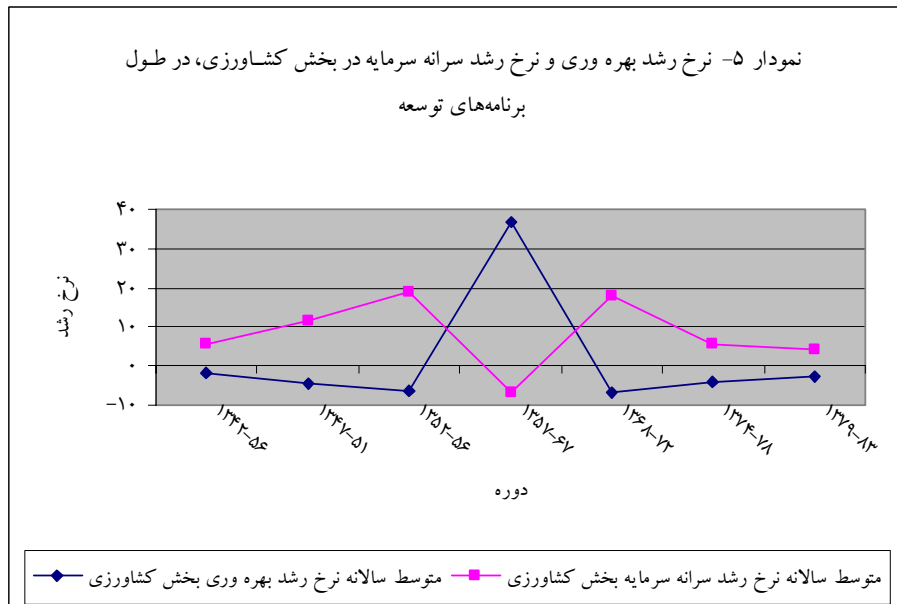
| برنامه توسعه | برنامه توسعه | برنامه توسعه | دهه اول بعد از انقلاب اسلامی | برنامه توسعه پنجم قبل از انقلاب | برنامه توسعه چهارم قبل از انقلاب | برنامه توسعه سوم قبل از انقلاب | برنامه بخش | |
|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|------------------------------|---------------------------------|----------------------------------|--------------------------------|---------------|---|
| سوم بعد از انقلاب (۱۳۷۹-۸۳) | دوم بعد از انقلاب (۱۳۷۴-۷۸) | اول بعد از انقلاب (۱۳۶۸-۷۲) | (۱۳۵۷-۶۷) | (۱۳۵۲-۵۶) | (۱۳۴۷-۵۱) | (۱۳۴۲-۴۶) | | |
| ۰/۲۷ | ۰/۲۷ | ۰/۲۷ | ۰/۲۶ | ۰/۴۶ | ۰/۵۴ | ۰/۵۵ | کل اقتصاد | متوسط سالانه |
| ۱/۲۱ | ۱/۶۰ | ۲/۳۰ | ۱/۵۸ | ۰/۸۲ | ۱/۲۱ | ۱/۳۶ | کشاورزی | بهره‌وری سرمایه |
| ۰/۲۵ | ۰/۲۱ | ۰/۱۹ | ۰/۱۵ | ۰/۲۰ | ۰/۲۱ | ۰/۲۱ | صنایع و معادن | (به قیمت ثابت ۱۳۷۶) |
| ۰/۲۰ | ۰/۲۱ | ۰/۲۰ | ۰/۲۳ | ۰/۳۲ | ۰/۳۱ | ۰/۳۲ | خدمات | |
| ۰/۷۴ | ۰/۹۱ | ۰/۹۴ | ۰/۵۹ | ۲/۶۵ | ۳/۴۲ | ۳/۳۵ | نفت و گاز | |
| ۱/۲۱ | ۱۰/۱۸ | ۵/۰۳ | -۱۵/۸۷ | ۶/۹۰ | ۲/۷۹ | ۳/۰۹ | کل اقتصاد | نسبت سرمایه‌گذاری به تغییرات ارزش افزوده (ICOR) |
| ۰/۵۰ | ۶/۰۶ | ۱/۷۴ | ۲/۷۲ | ۵/۶۶ | ۳/۶۴ | ۲/۵۸ | کشاورزی | |
| ۰/۷۳ | ۶/۵۶ | ۵/۴۸ | -۳۵/۴۹ | ۱۰/۴۶ | ۸/۸۱ | ۷/۸۲ | صنایع و معادن | |
| ۱/۷۱ | ۱۰/۴۱ | ۷/۹۰ | -۱۸/۱۰ | ۴/۷۲ | ۴/۲۴ | ۵/۰۹ | خدمات | |
| ۱/۸۱ | -۷/۸۱ | ۰/۶۰ | -۱/۵۷ | -۴/۴۸ | ۰/۴۴ | ۰/۵۲ | نفت و گاز | |
| ۰ | ۰ | ۳/۳۳ | -۲/۲۶ | -۵/۷۷ | ۰/۳۷ | -۰/۳۶ | کل اقتصاد | متوسط نرخ رشد سالانه بهره‌وری سرمایه (درصد) |
| -۲/۵۸ | -۴/۲۳ | -۶/۵۷ | ۳۶/۵۷ | -۶/۲ | -۴/۳۸ | -۱/۸۹ | کشاورزی | |
| -۰/۸۵ | -۱/۲۴ | -۰/۶۶ | ۸/۷۹ | -۱/۹۹ | -۵/۶۲ | -۴/۳۸ | کشاورزی | متوسط نرخ رشد سالانه سهم بخش کشاورزی GDP |

منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)



منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

همان‌طور که در نمودار شماره (۵) مشاهده می‌شود، بین متوسط سالانه نرخ رشد بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی و میانگین سالانه نرخ رشد سرانه سرمایه در این بخش رابطه کاملاً معکوسی وجود دارد. به گونه‌ای که بیشترین مقدار نرخ رشد بهره‌وری مربوط به دوره جنگ تحمیلی می‌باشد که در آن متوسط سرانه سرمایه دارای رشد منفی است.



منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

در مطالعه حاضر، به منظور تعیین دقیق تر رابطه بین این دو شاخص در سری زمانی مورد مطالعه (۸۳-۱۳۴۲) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

جدول شماره ۴ - همبستگی «سرانه سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» با «بهره‌وری سالانه سرمایه در بخش کشاورزی»

| نوع آزمون | سطح معنی داری | مقدار |
|-----------|---------------|---------|
| پیرسون | ۰/۰۰۶ | ۰/۴۱۵** |

** : وجود ارتباط در سطح معنی داری ۱ درصد

بر اساس نتایج مطالعه همان‌طور که مشاهده می‌شود، وجود ارتباط منفی بین دو شاخص «سرانه سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» و «بهره‌وری سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» تأیید شد. این موضوع بیانگر عدم استفاده بهینه از سرمایه، و عدم ترکیب مناسب عوامل تولید با هم، در بخش کشاورزی می‌باشد. این روند می‌تواند از عوامل ذیل ناشی شود:

۱. **ساختار نامناسب کشاورزی:** خرد و پراکنده بودن اراضی کشاورزی مانع از به کارگیری صحیح و مؤثر سرمایه در بخش کشاورزی می‌شود.

۲. **فقدان زیرساخت‌های ضروری:** بدون بسترهای لازم، فعالیت‌های تولیدی از کارآیی و درآمدزایی لازم برخوردار نبوده و سرمایه‌گذاری بهره‌وری مطلوب را نخواهد داشت.

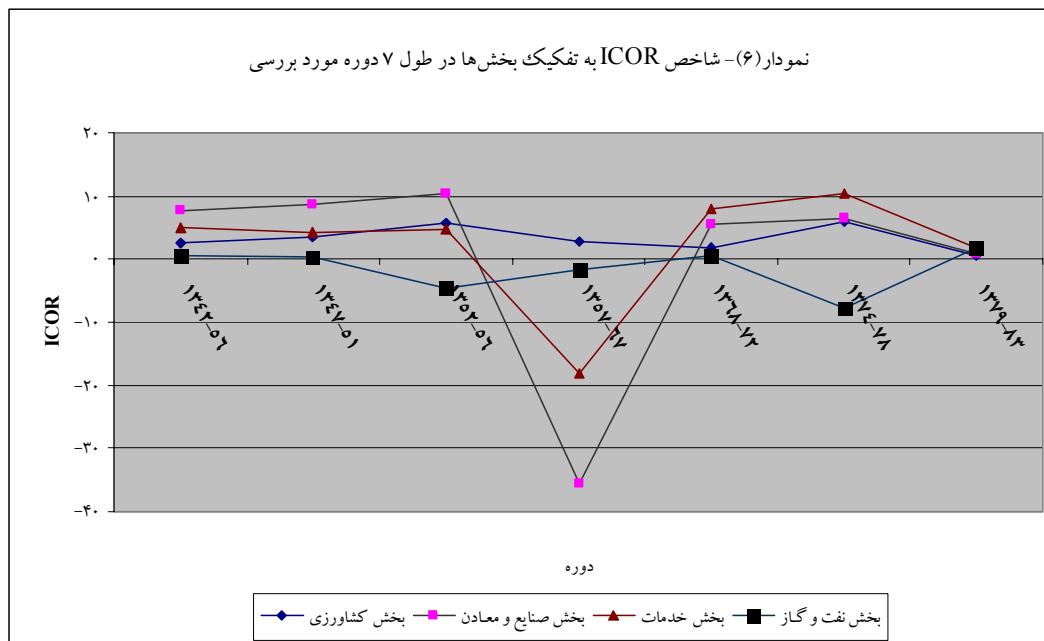
۳. **ساختار نامناسب بازار:** در حال حاضر، بخش گسترده‌ای از بازار محصولات کشاورزی در اختیار واسطه‌ها و دلالان می‌باشد. این افراد، محصولات کشاورزی را با نازل‌ترین قیمت از تولید کننده خریداری کرده و در نهایت، به قیمت‌های بسیار بالاتر در بازار به فروش می‌رسانند. چنین روندی منجر به نارضایتی کشاورز از فعالیت‌های تولیدی می‌گردد. علاوه بر آن قیمت نسبی محصولات کشاورزی نسبت به محصولات غیر کشاورزی از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشند که این مسأله در نتایج مطالعه نیکوکار (۱۳۸۱) نیز مطرح گردیده است.

۴. **عدم تخصیص بهینه سرمایه:** سرمایه‌گذاری بدون انجام مطالعات زمینه‌یابی و امکان‌سنجی و بدون پتانسیل‌های آمایشی مناطق مختلف، در نهایت منجر به عدم موفقیت خواهد شد. عوامل فوق در نهایت منجر به ایجاد فضای نامساعدی برای سرمایه‌گذاری می‌گردند. تحت چنین شرایطی، سرمایه‌های تزریقی توسط دولت به بخش کشاورزی و بخصوص تسهیلات بانکی بدون نظارت و مطالعات امکان‌سنجی، صرف امور غیر تولیدی و خدماتی خواهد شد.

در این مطالعه برای تعیین کارآیی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد از شاخص ICOR استفاده شد. مطابق نتایج جدول شماره (۳) میزان این شاخص برای بخش کشاورزی پایین‌تر از سایر بخش‌ها (بجز نفت و گاز) و نیز کل اقتصاد کشور می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است که ایجاد یک واحد ارزش افزوده، به سرمایه

کمتری نسبت به سایر بخش‌های مذکور دارد. البته در استفاده از این شاخص باید محتاطانه عمل نمود چرا که پایین بودن مقدار آن لزوماً به معنای بالا بودن بازدهی طرح‌ها نمی‌باشد.

همان‌طور که در نمودار شماره (۶) نیز مشاهده می‌شود، ICOR کلیه بخش‌های اقتصادی کشور بجز بخش کشاورزی بخصوص در دوره پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی منفی می‌باشد که این مسأله بیانگر کاهش شدید ارزش افزوده این بخش‌ها، طی دوره مذکور و نیز ثبات بیشتر بخش کشاورزی و اثرپذیری کمتر آن از تحولات بیرونی است.



منبع: یافته‌های تحقیق (بر مبنای داده‌های بانک مرکزی و دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)

بر اساس نتایج مطالعه فوق، می‌توان اظهار داشت که بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها، از پتانسیل بهتری برخوردار می‌باشد، که این نتیجه هم‌راستا با نتایج سلطانی (۱۳۸۳) و نیکوکار (۱۳۸۱) می‌باشد. ولی با وجود این، میزان بهره‌مندی آن از سرمایه بسیار اندک می‌باشد. البته یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر آن است که، از همین سرمایه‌های اندک موجود نیز به طور کامل استفاده نشده است.

پیشنهادها:

مطالعه حاضر به دنبال بررسی وضعیت سرمایه در بخش کشاورزی، پتانسیل بخش مذکور در جذب سرمایه و نیز تعیین میزان بهره‌وری سرمایه و استفاده صحیح از این عامل مهم در بخش کشاورزی بوده است. با توجه به نتایج حاصله، می‌توان موارد ذیل را برای بهبود روند موجود و غلبه بر چالش‌های بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی پیشنهاد نمود:

۱. **تغییر روند:** نظر به اینکه مقادیر شاخص ICOR (به‌خصوص در دهه اول بعد از انقلاب) و نیز سایر نتایج نشان دهنده ثبات بیشتر بخش کشاورزی بوده و نیز با توجه به مزیت‌های ایران در این بخش و با عنایت به سیاست برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مبنی بر لزوم افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به ۱۳/۵ درصد، تغییر نگرش نسبت به کشاورزی و سرمایه‌گذاری مؤثرتر و بیشتر، ضروری به نظر می‌رسد. چرا که طبق آمار مطالعه حاضر، سرانه سرمایه در بخش کشاورزی بسیار پایین‌تر از بخش‌های دیگر بوده است.
۲. **اصلاح و توسعه زیرساخت‌های کشاورزی توسط دولت:** با وجود بالا بودن بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی، بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین «سرانه سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» با «بهره‌وری سالانه سرمایه در بخش کشاورزی» رابطه منفی و معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ وجود داشت. این موضوع بیانگر استفاده ناکارآمد از سرمایه، و فراهم نبودن بسترهای لازم برای بهره‌گیری مناسب از سرمایه در بخش کشاورزی می‌باشد. از آنجایی که فراهم بودن امکانات زیربنایی و اساسی از مقدمات اولیه و ضروری تولید بوده و با توجه به اینکه اقدامات زیربنایی، دربردارنده هزینه‌های بالایی می‌باشند، ضروری است تا دولت بر اساس پتانسیل مناطق، اقدام به سرمایه‌گذاری زیربنایی نماید تا ظرفیت‌های جدیدی برای تولید و اشتغال و هدایت اصولی سرمایه‌های بخش خصوصی در مسیر تولید فراهم گردد.
۳. **منطقی نمودن نرخ تورم:** همان‌طور که اشاره شد نرخ تورم بالا و عدم ثبات قیمت‌ها، منجر به هدایت سرمایه از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های سوداگری و خدمات کاذب و نیز سبب آسیب‌پذیری اقتصاد کلان در بلندمدت می‌شود، بنابراین ضروری است تا نرخ تورم تک رقمی شود.
۴. **اصلاح ساز و کار بازار محصولات کشاورزی:** پایین بودن سطح قیمت محصولات کشاورزی نسبت به محصولات دیگر و نیز حضور پررنگ واسطه‌ها در بازار محصولات کشاورزی سبب کاهش درآمد کشاورزان و عدم سوددهی فعالیت کشاورزی شده است. از این‌رو ایجاد تشکل‌های بازاریابی و تضعیف نقش مخرب واسطه‌ها و نیز برقراری توازن بین سطح قیمت محصولات کشاورزی و غیر کشاورزی ضروری می‌باشد. این امر، در تشویق بهره‌برداران، نسبت به استفاده بهینه از تسهیلات بانکی و سرمایه تخصیص یافته به بخش کشاورزی کارساز بوده و بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی را افزایش خواهد داد.

۵. **اصلاح ساختار اراضی:** ساختار خرد و پراکنده کنونی اراضی کشاورزی، امکان هر گونه رشد همزمان بهره‌وری سرمایه و سرانه سرمایه در این بخش را سلب نموده است، چرا که لازمه به کارگیری مناسب سرمایه در بخش کشاورزی، برخورداری از اراضی مناسب و اصلاح شده می‌باشد. بنابراین دولت باید با جلب مشارکت گروه‌های محلی اقدام به بهینه‌سازی اندازه قطعات زمین نماید تا زمینه برای استفاده کارآمد از سرمایه فراهم گردد. به این منظور باید از فشار جمعیت بر اراضی کشاورزی کاسته شود. این امر می‌تواند با توسعه مشاغل غیر کشاورزی در محیط روستاها، بخصوص صنایع تبدیلی وابسته به کشاورزی و انتقال مازاد شاغلان کشاورزی به آن محقق شود.

۶. **انجام مطالعات زمینه‌یابی و امکان‌سنجی:** باید قبل از هر گونه سرمایه‌گذاری کشاورزی، اقدام به مطالعات زمینه‌یابی نموده و بر اساس نتایج حاصله، بهترین و مناسب‌ترین زمینه فعالیت کشاورزی را جهت سرمایه‌گذاری انتخاب نمود. برنامه‌ریزی سرمایه بر اساس قابلیت‌های منطقه‌ای، رمز موفقیت سرمایه‌گذاری می‌باشد و بدون توجه به این مسأله و با برنامه‌ریزی متمرکز و همسان برای تمامی مناطق، نمی‌توان از سرمایه استفاده بهینه‌ای کرد و سبب استفاده غیر تولیدی از سرمایه خواهد شد.

در نهایت می‌توان اظهار داشت که بدون رفع مشکلات ساختاری بخش کشاورزی که اجمالاً مورد اشاره قرار گرفت، تزریق سرمایه به بخش کشاورزی، بخصوص در قالب اعطای تسهیلات بانکی به کشاورزان، منجر به کاهش بهره‌وری سرمایه خواهد شد. چرا که به دلیل فقدان بستر مناسب در بخش کشاورزی و عدم سوددهی فعالیت‌های کشاورزی، بهره‌برداران رغبتی به سرمایه‌گذاری کشاورزی نخواهند داشت. بنابراین تحت چنین شرایطی افزایش سرانه سرمایه بخش کشاورزی منجر به کاهش بهره‌وری آن خواهد شد، زیرا سرمایه به تولید مطلوب منتهی نشده و به بازارهای مسکن و طلا هدایت خواهد شد.

منابع

۱. ازکیا، م. ۱۳۸۴. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. انتشارات اطلاعات. تهران.
۲. بی‌نام. ۱۳۸۵. جهان باید تا سال ۲۰۲۵ غذای ۸ میلیارد انسان را تأمین کند. اطلاعات اقتصادی، شماره ۲۳۷۵۳.
۳. سلطانی، غ. ۱۳۸۳. تعیین نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۴۱-۱۹.
۴. سلامی، ح و ن، شاهنوشی. ۱۳۷۹. مقایسه بهره‌وری در بخش‌های صنعت و کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن. صص ۳۰۵-۲۸۷.
۵. سلیمانی، ک. ۱۳۸۰. بازده سرمایه‌گذاری در کشور ۱۳۷۸-۱۳۶۹. مجله تدبیر، شماره ۱۱۶، سازمان مدیریت صنعتی.
۶. صامتی، م و ب. فرامرزپور. ۱۳۸۳. بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۱۲-۹۱.
۷. عباسی نژاد، ح. و پ. جبل عاملی. ۱۳۸۵. اثر متغیرهای کیفی بر حجم سرمایه‌گذاری در فضای نااطمینانی؛ مورد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳، صص ۶۷-۳۷.
۸. عبداللهی، م. ۱۳۸۵. سرمایه‌گذاری و چالشهای بازار مالی در بخش کشاورزی. مجله روند، سال شانزدهم، شماره ۴۹، صص ۱۹۹-۱۶۹.
۹. میر، ج. ۱۹۹۴. مباحث اساسی اقتصاد توسعه. جلد اول. ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی). ۱۳۷۸. نشر نی.
۱۰. نیکوکار، ف. ۱۳۸۱. برآورد تابع تقاضای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران (به تفکیک خصوصی و دولتی). دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد، ۱۳۸۱.
۱۱. هایامی، یوجیرو. ۱۹۹۹. اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل. ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی). ۱۳۸۰. نشر نی.
12. Audinet, J.& Haralambous, S. 2005. Achieving the Millennium Development Goals: Rural Investment and Enabling Policy. PANEL DISCUSSION PAPER. IFAD GOVERNING COUNCIL – Twenty-Eighth Session. Pp5&18.
13. Ball, Eldon. 2006. Agricultural Resources and Environmental Indicators. Economic Research Service/USDA, Chapter 3.4, Productivity and Output Growth in U.S. Agriculture, Pp.77-78.
14. Block, Paul J. 2006. An Assessment of Investments in Agricultural and Transportation Infrastructure, Energy, and Hydro climatic forecasting to mitigate the Effects of Hydrologic Variability in Ethiopia. International Food and Policy Research Institute.
15. Saddik, Ibrahim. 1995. Credit and Investment in Egyptian Agriculture: Future Perspectives in the Light of the Economic Liberalization Policies. Faculty of Agriculture, Menoufeya University, Cairo.

Analyzing the Potential of Investment of Agriculture Sector of Iran (Emphasizing on 4th Economic, Social and Cultural Development Program)

Abstract

Because of various continental conditions, natural potentials and strong linkages between agricultural sector and other economic sectors, agricultural development plays an important role in the country's economics. Capital is one of most important components which affects on increasing the productivity of the production factors such as human resources, land, etc. This study describes the placement of agriculture sector in Iranian economy, considers the trend of investment in agricultural sector over the period of 1963-2004 especially on the performance time of development programs in country. It also evaluates the capability of investment procuring in this sector comparing with other economic sectors of country. In addition, obstacles of investment in agricultural sector such as inflation and other factors are examined. Results showed that capital productivity in agricultural sector is high and this sector has potentials for extension of investments. However, capital per capita in agricultural sector is lower than other economic sectors. In addition, findings of this study confirmed a significant negative relation between capital per capita in agricultural sector and capital productivity in the sector in the level of 0.01 which indicates inappropriate capital allocation in the sector. It is recommended that the Iranian government performs long-term and infrastructure investments and should pay attention to the principals of land use while injecting capital into production plans.

Keywords: Agricultural development, Investment, ICOR index, Productivity